

معلمی، نه معلم

درس پژوهی در نگاه دکتر محمدرضا سرکار آرانی

درس پژوهی چیست؟ چه کمکی به معلم می‌کند، چگونه به بهسازی آموزش می‌انجامد و...
این سؤال‌ها را خانم صدیقه حسینی‌نژاد، مسئول تکنولوژی و گروه‌های آموزشی دوره متوسطه، و خانم سمیه سادات میرمعینی، مدیر اجرایی درس پژوهی شهر تهران روز شانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳، در جلسه‌ای صمیمی، از دکتر محمدرضا سرکار آرانی، عضو هیأت علمی دانشگاه تیکو (توکیو، ژاپن) پرسیدند. ایشان همیشه برای با معلمان، به‌خصوص معلمان دوره ابتدایی، احترام ویژه‌ای قائل است و گاهی درباره آن‌ها تا آنجا پیش می‌رود که بغض می‌کند و چشمانش بارانی می‌شود. او از درون به تعلیم و تربیت به‌ویژه دوره آموزش عمومی عشق می‌ورزد. آنچه در پی می‌آید، سخنان ایشان در پاسخ به سؤالات معلمان است.

در کشور ما درس پژوهی می‌تواند جواب بدهد؟
ما گرفتاری‌ها و مسائل متعددی داریم و برای اینکه مسائلمان را حل کنیم، مجبوریم از روش‌های یادگیری اثربخش‌تری استفاده کنیم. یکی از راه‌هایی که به بهسازی آموزش یاری می‌دهد و در نتیجه ما را به یادگیری بهتری می‌رساند درس پژوهی است.

نکته اول اینکه درس پژوهی جشنواره تدریس برتر نیست. حتی مدل و ابزار انتخاب پژوهشگر هم نیست. وقتی می‌خواهیم در مورد آموزش صحبت کنیم، بهتر است بیشتر سراغ یادگیری برویم که نتیجه آموزش است. این نکته اول بود. نکته بعدی این است که پیش از معلم برویم سراغ معلمی. وقتی می‌گوییم معلمی، انتظارات والدین، محتوای کتاب درسی، درک ما از دانش‌آموزان و چیدمان کلاس و... و در مجموع فرایند معلمی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در حالی که در تاکید به معلم معمولاً روی شخص زوم می‌کنیم و می‌گوییم تو باید چه کار کنی. و این آدم از انتقاد خوشش نمی‌آید. از اینکه ضعف‌هایش را دیگران بدانند خوشش نمی‌آید. همه ما این جور هستیم و به همین خاطر اصلاحی جدی صورت نمی‌گیرد. در صورتی که در درس پژوهی معلمی در کانون توجه و تجزیه و تحلیل و تفکر قرار می‌گیرد. درس پژوهی فرایند است و شاید ما چاره‌ای نداریم جز اینکه بیاییم و اول با زمینه‌های فرهنگی خودمان حرکتی ایجاد کنیم بعد آهسته‌آهسته درس پژوهی را به فرهنگ حرفه‌ای در مدارس تبدیل کنیم. درس پژوهی در واقع یک فرهنگ است.

اگر از من بپرسید درس پژوهی چیست، می‌گویم هر وقت شما دوست را آوردی آخر کلاس نشاندی و به او گفتی: اکبر، مریم، ... ببین من چه کار می‌کنم، بعد از کلاس برویم کافی‌شاپ، قهوه‌ای، چایی بخوریم و راجع به کلاس درس و نحوه تدریس حرف بزنیم، ببینیم این جوری که من ایستادم خوب است؟ در کلاس راه بروم بهتر است؟ شما فکر می‌کنید من زیاد حرف می‌زنم؟ آهسته حرف می‌زنم؟ از تخته خوب استفاده می‌کنم؟ راستی شما چه کار می‌کنی؟ باعلاقه‌ها، با بی‌علاقه‌ها با بی‌انضباط‌ها؟ من فکر می‌کنم صفحات مربوط به بخش هندسه کتاب ریاضی برای بچه مشکل است؟ شما بچه‌های کلاس مرا چه جور دیدی؟ به نظر شما خوب بودند؟ دوستانه

● آقای دکتر شما بدون اینکه سؤال ما را بدانید رفتید سراغ موضوعی که می‌خواستیم مطرح کنیم. آیا واقعاً

درس پژوهی وقتی فرهنگ می شود که
دوستانه و در حلقه های کوچک یادگیری
شروع شود و آرام آرام گسترش پیدا کند و
ادامه داشته باشد



را عوض کنی. گاهی به جای کلماتی که خودت می دانی، به دانش آموز فرصت می دهی که او بگوید تا بقیه تشویقش کنند و فکر می کنی همه چیز در کنترل است. پس گاهی اوقات باید به قول حرفه ای ترها بروی کنار تا بچه ها نفسی بکشند. یقه همه را گرفته ای. بالاخره همه این کتاب ها تمام می شود و آن ها فارغ التحصیل می شوند. از روزی هم که مدرسه در ایران درست شده، این اتفاق ها افتاده است. ولی ما به چیزهایی که می خواسته ایم شاید نرسیده ایم. بیشتر از این که یاد بگیریم از یادگیری به معنی تغییر پیش رو هراس داریم. اگر می بینیم جاهایی اشکال داریم و باید آن ها را اصلاح کنیم، درس پژوهی دانش این اصلاح است. دانش بهسازی آموزش است برای فراهم آوردن محیطی شوق انگیز برای یادگیری.

درس پژوهی، فرایندی حرفه ای و دوستانه

من با معلمان ۱۶ کشور در دنیا دارم کار می کنم و به آن ها می گویم نترسید. درس پژوهی یک چیز مکانیکی نیست. درس پژوهی برای برگزاری جشنواره برتر نیست. درس پژوهی برای انتخاب پژوهشگر نیست. درس پژوهی برای جایزه دادن نیست. درس پژوهی برای گزارش دادن به اداره نیست. درس پژوهی برای ارزشیابی و رتبه بندی معلمان هم نیست. فرایندی حرفه ای و خیلی دوستانه است. اگر شما از مطمئن ترین آدم در مدرسه تان، یا از خواهرتان یا برادرتان که در مدرسه دیگری درس می دهد، یک نصف روز بخواهید تا ساعتی سرکلاس شما بنشینند، این می شود تلاشی برای ترویج درس پژوهی. آهسته آهسته مدیر یاد می گیرد و این نوع رفتار را تأیید می کند. کم کم معلمان دیگر نمی گویند که چرا کسی دیگر را آورده بودی سرکلاس. آهسته آهسته این فرهنگ باعث می شود بچه ها عادت کنند که معلمان دیگر بیایند سرکلاس. نه تنها عادت که شما را تشویق می کنند که این کار را بیشتر انجام دهید. چون دانش آموزان از این که شما هم برای بهسازی آموزش تلاش می کنید تا یاد بگیرید سرشوق می آیند و به تدریج حس مسئولیت پذیری و همیاری بهتری در کلاس درس پیدا می شود. همین که شما به بچه ها می گویند فلانی آمده کلاس ما را ببیند و پس از کلاس ما

● آیا بومی سازی درس پژوهی لطمه ای به اصولش نمی زند؟ صلاح نمی دانید ما نسخه هایی از درس پژوهی داشته باشیم؟

سؤال خوبی است. ما در درس پژوهی تنوع داریم. درس پژوهی امری سهل و ممتنع است، مکانیکی نیست. ارگانیکی است، در تبیین ساده به نظر می رسد، ولی در عمل با دشواری های فرهنگی زیادی روبه رو می شود.

قهوه تان را می خورید چایتان را می نوشید و می روید و این می شود یک رگه هایی از فرهنگ درس پژوهی. به مدیر هم نمی گویی. جایی در دفتر چه خاطرات می نویسی. آهسته آهسته تمرین می کنی که مثلاً گاهی چیدمان کلاس

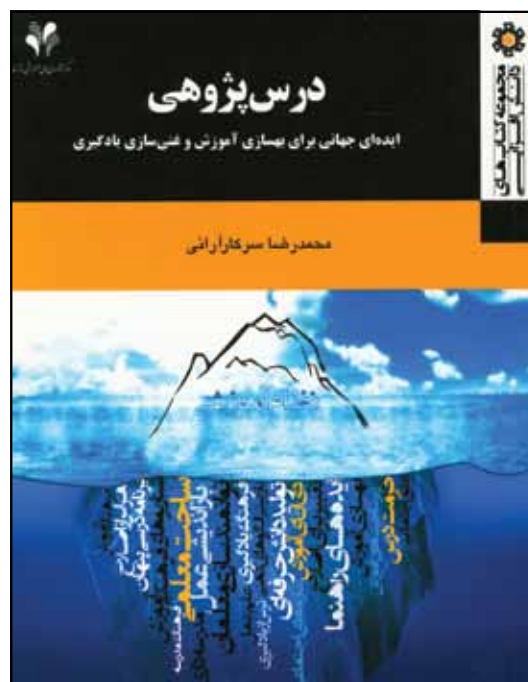
رفتار می کردند؟ اصلاً مریم، اکبر و... اساساً شما به چه دانش آموزی خوب می گویند؟ پرسشش کند؟ یا گوش بدهد؟ یا...؟ آن ها از نظر شما به درس توجه داشتند؟ با هم همکاری می کردند؟ راستی بچه های کلاس شما چطورند؟ و او شروع کرد و گفت: من اصلاً تعجب کردم که تو چرا این جوری راه می روی! چه قدر هن هن می کنی! چه قدر عرق کردی! مگر بچه ها بازرس اند؟ چرا نمی نشینی؟ چرا این قدر حرف می زنی، چرا بچه ها را کنار هم نمی نشانی و گروه تشکیل نمی دهی؟ مسئله ای بده تا بچه ها با هم حل کنند. یک مسئله را بده تکی حل کنند. یک مسئله بده پنج نفری با هم حل کنند، یک مسئله بده بگو هر کس بلد نیست، از دیگری بپرسد.

درس پژوهی فرایند است و شاید ما چاره‌ای نداریم جز اینکه بیاوریم و اول با زمینه‌های فرهنگی خودمان حرکتی ایجاد کنیم و بعد آهسته آهسته درس پژوهی را به فرهنگ حرفه‌ای در مدارس تبدیل کنیم. درس پژوهی در واقع یک فرهنگ است

باز می‌شود. اگر مدیر سرزده آمده سر کلاستان نشست نمی‌ترسید. قرار نیست هیچ کسی را بگیرند. قرار نیست این کار برای رتبه‌بندی باشد. درس پژوهی برای این است که درد دل حرفه‌ای کنیم. مثلاً بگوییم که خانم فلانی شما طرح درس نوشتید؟ طرح درس شما چند صفحه است؟ می‌پرسیم: چی توی طرح درس می‌نویسند؟ می‌گوید: طرح درس برای این است که ببینیم امروز چه می‌خواهیم درس بدهیم، چند دقیقه خودم می‌خواهم حرف بزنم و چقدر بچه‌ها باید مشارکت کنند. این مشارکت روی کاغذ انجام می‌شود یا نه. باید گفت‌وگو کنند و حرف بزنند. یا با خودشان باید حرف بزنند یا با معلم حرف بزنند. یا هر چه شما می‌پرسی جواب بدهند. این‌ها روح درس پژوهی است. مشارکتی است. در درس پژوهی کس دیگری باید باشد: یا دانش‌آموز یا اولیا یا معلم همکار. من در تهران سال‌ها پیش درس پژوهی را با اولیا شروع کردم، چون معلم‌ها در ابتدا اکراه داشتند در حضور هم تدریس کنند. می‌گفتند وقت نداریم یا رویشان نمی‌شد.

فرهنگ درس پژوهی

درس پژوهی آینه است. در آینه معلم دیگری، شما خودتان را می‌بینید. آقا یا خانمی که می‌آید سر کلاس شما، در واقع خیلی جاها به رفتار خودش هم فکر می‌کند. با خودش می‌گوید: این کارها را من هم می‌کنم. یا او خیلی روی تخته قشنگ می‌نویسد، ولی من قشنگ نمی‌نویسم. حالا دو نفر می‌شوند سه نفر. ولی اگر بخش‌نامه یا جشنواره شد، خوف دارم دیگر ادامه پیدا نکند. درس پژوهی وقتی فرهنگ می‌شود که دوستانه و در حلقه‌های کوچک یادگیری شروع شود و آرام آرام گسترش پیدا کند و ادامه داشته باشد. ابتدا مثلاً از درس ریاضی، بعد علوم، بعد فارسی و آرام آرام تجربه‌ها منتقل می‌شوند. کمی که جا افتادیم، ترسمان می‌ریزد. متوجه می‌شویم اصلاً برای رتبه‌بندی و انتخاب‌های برتر نیست. حرف‌هایمان در مهمانی‌ها هم تغییر پیدا می‌کند. زنگ تفریح هم محتوای حرفمان تغییر می‌یابد. مثلاً می‌گوید «تو گفتی این مسئله در دو دقیقه حل می‌شود و من گوش ندادم. نیمه دوم کلاس به سختی گذشت.»



با هم گفت‌وگو می‌کنیم که آیا می‌توانیم بهتر با هم حرف بزنیم تا مفاهیم بهتر دریافت شوند، بچه‌ها ذوق زده می‌شوند. می‌گویند معلم ما دنبال راهی است که ما در اینجا راحت‌تر باشیم و زندگی شوق انگیزتری را تجربه کنیم. آسایش بهتری داشته باشیم. بهتر فهم کنیم مسئله را. به تدریج این فهم مشترک در بچه گسترش می‌یابد که معلم ما هم دارد یاد می‌گیرد. پس ما هم باید کمی همت کنیم. همین که به بچه‌ها می‌گویید: امروز دکتر محمدرضا سرکارآرانی مهمان ماست. خیلی لطف کردند تشریف آوردند. بچه‌ها می‌دانید برای چه آمده‌اند؟ آمده‌اند که بعد از کلاس، ما بنشینیم و صحبت کنیم که آیا طرز حرف زدن من با شما خوب است؟ شما به اندازه کافی فعال هستید؟ بچه‌های کلاس ما چگونه‌اند؟ من چه بکنم تا شما و البته همه ما کلاس بهتری بسازیم؟

با این پیام‌های کلامی و غیر کلامی و بعضاً غیر مستقیم فضای روانی مدرسه به تدریج بهتر می‌شود. آرام آرام در کلاس‌ها

در درس پژوهی بحث ما بیش از معلم،
معلمی است. معلمی محور بحث است.
ما با شخص و فرد سروکار نداریم. یاد
می گیریم با هم گفت و گو کنیم

درس پژوهی به این تناقض های فراگیر می پردازد.

معلم یادگیرنده

آرام آرام یاد می گیریم که بگوییم کلاس چگونه اداره شود بهتر است. و در فرایند درس پژوهی یاد می گیریم که درباره کلاس چگونه حرف بزنیم. یاد می گیریم که مثلاً ما مدام می گوییم این دانش آموز مشکل دارد، یا مشکل کلاس است یا مشکل من معلم است. اگر دانش آموزی در کلاس شلوغ کرد، می ترسیم اگر به دفتر کشیده بشود، پای خانواده وسط بیاید. دائم خودخوری می کنیم و غصه می خوریم. فکر می کنیم من مشکل دارم. برای نمونه معلمی به من گفت: دانش آموزی دارم که وقتی وارد کلاس می شود، همه چیز به هم می ریزد. من گفتم: این مشکل تو نیست. اصلاً آرام شد. گفت: آقای سرکار آرائی راست می گوید؟ گفتم: بله، این مشکل شما نیست. بچه ای در خانواده ای به دلایلی مسائلی دارد که وقتی به مدرسه می آید، این مسائل را هم با خود می آورد. جامعه وقتی شکل گرفت، این اتفاق ها در آن می افتد. تو که مشکلی نداری. تو که پسر خوبی هستی. تو که خانم خوبی هستی. کلاس را چه کار کنیم؟ معلمی را چه کار کنیم؟ تدریس را چه کار کنیم؟ در فرایند درس پژوهی راجع به این ها حرف می زنیم. نقد می کنیم. معلمی را، نه معلم را، نقد می کنیم. تدریس را، راه حل شما برای مسئله را نقد می کنیم یا فهم شما را مسئله را یا صورت بندی شما از مسئله را نقد می کنیم. به علاوه اول یاد می گیریم چگونه نقد کنیم. می گوییم خانم اجازه بدهید امروز ما کلاس شما را ببینیم. نکات خوبی یاد گرفتیم. دوم این بود که من خودم هم سعی می کنم این نکات را اجرا کنم. با خودم که مقایسه کردم، دیدم من تخته را قشنگ تر تنظیم می کنم که از آن استفاده کنم. چیزی را هم که می نویسم، سریع پاک نمی کنم. اجازه می دهم که روی تخته باشد تا کلاس که تمام می شود، همه نوشته های خودم و بچه ها روی تخته بماند. وقتی که نقد می کنیم، می گوییم: «من فکر می کنم ما از تخته خوب استفاده نمی کنیم.» کوتاه! این جوری هر کس باشد می پذیرد. کم کم یاد می گیریم گفت و گو کنیم. یاد می گیریم بخوانیم. علاقه مند

حتی طبق تجربه من، در تهران خانم ها و آقایان معلم وقتی از مدرسه خارج می شوند، بعضاً گفت و گوهایشان درباره کلاشان است:

- راستی تو در فرایند تدریس چقدر جمله بندی ات خوب است!

- این چیزهایی که بچه ها می گفتند ما نفهمیدیم، شما فهمیدی؟

این ها روح درس پژوهی است. اصلاً معلم ها با هم دوست می شوند. خیلی وقت ها مهمانی می گیرند تا طرح درس بنویسند. در همین تهران اتفاق افتاد که مهمانی گرفتند تا درباره کلاسی که مشاهده کرده بودند، با هم بحث کنند. می گویند: «آقای مدیر اجازه می دهید من بروم به مدرسه ای که خواهرم آنجاست؟ او فعال تر است.» به آن مدرسه می روید، شرایط دیگری را می بینید و تجربه ها را منتقل می کنید و می نویسید.

معلمی، نه معلم

در درس پژوهی بحث ما بیش از معلم، معلمی است. معلمی محور بحث است. ما با شخص و فرد سروکار نداریم. یاد می گیریم با هم گفت و گو کنیم. یعنی می گوییم اگر من جای شما بودم، نه اینکه شما مدام نقد کنی و بعد معلم بگوید: اگر شما جای من بودی چکار می کردی. این می شود دعوا. درس پژوهی برای این است که از هم یاد بگیریم. برای این نیست که ما صرفاً انتقاد کنیم. یاد می گیریم اول نکات مثبت را بگوییم. آقا یا خانم فلانی خسته نباشید. خیلی برایم جالب بود که... در عمر کاری ام اولین بار بود که... مثلاً خود من وقتی رفتم سر کلاس دیگری نشستم. تازه فهمیدم ۵۰ دقیقه چقدر طولانی است برای کسی که می شنود! ولی وقتی حرف می زنیم، چقدر وقت کم می آوریم! وقتی آخر کلاس نشستم، چندبار به ساعت نگاه کردم. من فکر می کنم خودم هم اینجوری ام که این خوب نیست. خودمان را جای بچه ها بگذاریم: ۵۰ دقیقه خیلی طولانی است، ولی برای ما که معلم هستیم ۵۰ دقیقه کم است. بچه ها از طولانی بودن وقت کلاس می نالند و معلم ها مدام می گویند وقت کم می آوریم.

مهم‌ترین جنبه حرفه‌ای درس پژوهی
این است که به بچه‌ها نشان دهیم که ما
هم داریم یاد می‌گیریم. در دنیای امروز
می‌گویند وقتی معلمان ما یاد می‌گیرند،
دانش‌آموزان هم یاد می‌گیرند

در گام اول بتوانی به او اعتماد کنی. عنوان کتاب بعدی که به اسم بنده می‌آید به زبان فارسی، درس پژوهی نیست، «درس‌کاوی» است بر وزن «روان‌کاوی». شما چه جوری می‌روید پیش مشاور یا پیش مادر یا پیش همسر درد دل می‌کنید؟ درس پژوهی از جنس درد دل حرفه‌ای است. جشنواره نیست. برای درس پژوهی جشنواره اجرا نکنید، جایزه ندهید، بخش‌نامه صادر نکنید. به هم اعتماد کنید. شرایط زیست اخلاقی را بیش از پیش در مدرسه فراهم کنید. آقای رئیس اداره، دوستان! برای درس پژوهی مقررات و رویه صادر نکنید.

درس پژوهی مدرسه ما را قشنگ‌تر و راحت‌تر می‌کند. تا دیروز نمی‌دانستیم مشکل‌مان را به کی بگوییم حالا می‌دانیم. حالا می‌فهمیم که مدیر هم از این تجربه‌ها داشته است. او هم می‌آید و صادقانه می‌گوید: «من هم همین گرفتاری‌ها را داشتم! نگران نباشید! اگر مسئله‌ای هست، به من بگویید.» اعتمادسازی کنید. راز دار باشید. به ترویج صداقت یاری کنید. هزینه راست گفتن را کاهش دهید. برای حرفه‌ای‌تر شدن و صحنه‌پردازی یادگیری اثربخش به چیزی بیش از شکردهای تبلیغی و تمشیت زیرکانه امور روزانه نیازمندیم و آن اخلاق حرفه‌ای است. در این صورت، راحت‌تر می‌شوید اعصاب‌تان آرام می‌شود. برخوردتان با دانش‌آموزان بهتر می‌شود.

با همکاران روزها و هفته‌های بهتری خواهید داشت و در نتیجه خودتان هم نسبت به کارتان عاشق‌تر می‌شوید و مدرسه می‌شود جایی که شما هم یاد می‌گیرید. رشد می‌کنید و از بودن با بچه‌ها و همکاران لذت می‌برید. حرفه‌ای‌تر عمل می‌کنید و البته اخلاقی‌تر. به خاطر داشته باشید، درس پژوهی ترویج بصیرت است و ما البته با جشنواره و رتبه و پاداش و گواهی‌نامه بعضاً ممکن است در گرداب زیرکی بیفتیم.

زیرکی بفروش و حیرانی بخر

زیرکی ظن است و حیرانی بصر

مراقب باشیم قبله را گم نکنیم. و البته سخن آخر اینکه سلام مرا به همه معلمان ایران زمین برسانید. در غربت همیشه به یاد ذهن و دست و دل پر محبت آن‌ها هستیم.

می‌شویم که تجربه‌هایمان را بنویسیم. مهم‌ترین جنبه حرفه‌ای درس پژوهی این است که به بچه‌ها نشان دهیم که ما هم داریم یاد می‌گیریم. در دنیای امروز می‌گویند وقتی معلمان ما یاد می‌گیرند، دانش‌آموزان هم یاد می‌گیرند. وقتی معلمان نشان می‌دهند که می‌خواهند متحول شوند، توسعه یابند، روش‌هایشان را بهتر کنند، بهتر حرف بزنند، بهتر بنویسند و بهتر با دانش‌آموزان برخورد کنند، دانش‌آموزان هم اطمینان پیدا می‌کنند و علاقه‌مند می‌شوند از هم یاد بگیرند و به هم بیاموزند. درس پژوهی به عقب ماندگی‌های ناشی از قایم کردن تکنیک‌های تدریس پایان می‌دهد. درس پژوهی این است که اگر من در مجله یا کتابی مطلبی پیدا کردم، به دیگری بگویم من این را پیدا کردم. تو چی پیدا کردی؟ این تعامل‌ها روح بهسازی آموزش و فرهنگ حرفه‌ای است که درس پژوهی ترویج می‌کند.

از این‌ها استفاده کنیم تا خودمان راحت‌تر باشیم. خودمان شب‌ها راحت بخوابیم. معلمان ژاپنی درس پژوهی انجام می‌دهند برای اینکه شب‌ها راحت بخوابند. برای اینکه هر روز گرفتار نباشند که این مسئله اگر بکشد به دفتر مدرسه چه می‌شود. هیچ اتفاقی نمی‌افتد. این مسئله را خودت به دفتر بیاور. محیط دوستانه می‌شود. تازه می‌فهمی که فقط من نیستم که مشکل دارم، همه مشکل دارند؛ ولی همه کتمان می‌کنند. تو می‌گویی وقتی دانش‌آموز وارد کلاس می‌شود، همه چیز به هم می‌ریزد. پس قبل از تو کلاسی هست. قبل از تو دانش‌آموزانی سر کلاس آمده‌اند. کسی کاری به شما ندارد، این کلاس است که باید فکری برای آن کرد. این تدریس است که باید فکری برایش کرد. این تعامل است که باید فکری برایش کرد. این معلمی است که کانون توجه و بهسازی است. در این فرایند بهسازی، البته معلم هم تغییر می‌کند و رشد می‌یابد و شکوفا می‌شود.

در ددل حرفه‌ای

ما فقط یک نوع درس پژوهی نداریم. ما به اندازه تعداد مدارس مدل درس پژوهی داریم. ولی درس پژوهی تک‌نفری نیست. باید یکی را پیدا کنی؛ دوستی، رفیقی، آشنایی، کسی که